

دبیر کمیته کردستان محمد استنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدل گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

ایسکرا

۵۸۲

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

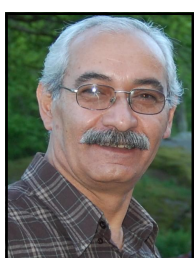
www.m-hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۲ مرداد ۱۳۹۰، ۳ اوت ۲۰۱۱

سرمدییر: عبدل گلپریان

۲۸ مرداد ۵۸، سالروز صدور فرمان حمله خمینی و بنی صدر به کردستان



عبدل گلپریان

۲۸ مرداد سال ۵۸ یادآور
یورش نظامی رژیم تازه بقدرت
رسیده اسلامی به کردستان برای باز
پس گیری دستاوردهای قیام مردم
در سراسر ایران است. ابعاد جنایتی
که جانیمان اسلامی به فرمان
خمینی و با اجرای رئیس جمهور
وقت ابولحسن بنی صدر به همراه
خلخال جلاذ بر سر مردم شهر و
روستاهای کردستان و انقلابیون
آوردند غیر قابل توصیف است.
خمینی فرمان حمله را صادر کرد و
رئیس جمهورش خطاب به گله های
سپاه و ارتش اعلام کرد تا خاموش
کردن غانله کردستان پوتین هایتان

صفحه ۵



زنده باد آمنه،

قانون قرون وسطایی چشم در مقابل چشم فقط به نفع جانیان حاکم بر ایران است!



مینا احدی

روز یکشنبه ۳۱ ماه ژوئیه
ساعت شش و نیم صبح، بدون حضور
خبرنگاران و بدون خبر رسانی وسیع
قرار بود جلاذان حاکم بر ایران، با
رعایت تمام "ظرایف پزشکی" به
چشم های مجید ۳۰ ساله، به اسم
دفاع از عدالت و دفاع از حق متهم،
اسید ریخته و او را از هر دو چشم
کور کنند. در آخرین لحظات آمنه از

صفحه ۳

آقای بنی صدر! صندلی متهم جای شما است نه قضاوت قضاوت قاتل نمیتواند در مورد قربانی منصفانه و عادلانه باشد.

تمام کنند"، "جنگجویان کردستان
عوامل پالزبیبان هستند" و...
میشناسند.
در سالهای اوایل قدرت گیری
اسلام سیاسی در ایران وقتی حزب
اللهی ها با قمه و چاقو و زنجیر،
دنیال ما دختران و زنان در خیابانها
می دویدند و میخواستند حجاب را
با قتل و چاقوکشی بر ما اجباری
کنند، ایشان را شناختم. آن هنگام
بنی صدر رئیس جمهور حکومت
اسلامی ایران بود و برای توجیه این
جنایات و حمله و خونریزی در
خیابانها، فرمودند، "موی سر زنان
اشعه پخش میکند و باید آنها را
مجبور کرد حجاب بر سر کنند". این

صفحه ۲



مینا احدی

نسل دوران انقلاب ۱۳۵۷ بنی
صدر را با نقل قولهای معروفش
مانند "شورا پورا مالیده"، "نیروهای
مسلح جمهوری اسلامی پوتینها را
از پا در نیاورند تا غانله کردستان را

حکم پدرام نصراللهی اعلام شد

صفحه ۷

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری محاکمه شد

صفحه ۷

رضا شهابی کارگر زندانی، زیر فشار دائمی مقامات قضایی جمهوری اسلامی

صفحه ۷

فشار نیروهای امنیتی علیه چهار زندانی سیاسی در زندان سنندج

صفحه ۸

کشته شدن چوپان ۱۳ ساله در جاجی عمران بر اثر توپ باران رژیم اسلامی

صفحه ۸

محکومیت دو فعال کارگری سنندج به پرداخت جریمه نقدی

صفحه ۸

آمار قربانیان حملات رژیم به مناطق مرزی کردستان

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آقای بنی صدر! صندلی متهم جای شما است از صفحه ۱ ... نه قضاوت ...



فوايد چند زنه بودن و حكمت صيغه و قوانين نطقه بگيري زن و حكومت مردان اسلامي تئوريهاي روشنفكرانه توليد ميكرد. البته اين از بد طينتي بنی صدر نیست زیرا احكام شريعت اسلامي و قرآني همگي در چهار چوب يك دنياي مردسالارانه و ضد زن تعريف شده است. زیرا در اين مذهب مثل ديگر مذاهب شناخته شده، خدا موجودی قدرت مند با صفات جبار ومردانه است. پيغمبرها همگي مرد بوده و كتب آسماني همگي خطابشان به مردانی است که بنده و يا مردان (خدا) هستند و چگونگي سو استفاده از زنان به آنها آموزش داده ميشود.

این روزها در سایتهای

اینترنتی، روزی نیست که "رئیس

جمهور اول حکومت اسلامی" در

رثای فعالیتهای درخشان خود در

دوره همراهی با خمینی و نقشش در

سر کار آوردن جنبش اسلامی و کمک

بی شائبه برای روی کار آمدن

فایشیسم اسلامی با پررویی تمام

حرفی نزد و با وقاحت چشم در چشم

مردم ایران دوخته و به آن دوره از

فعالیت خود افتخار نکند. سیاست

ظاهرا به مالیخولیا تبدیل شده است

و گویی مردم حافظه خود را از دست

داده اند.

جناب رئیس جمهور اول جمهوری

اسلامی و مرید خمینی!

کسانی که با فرمان حمله شما،

عزیزان شما کشته شدند، و کسانی که

شلاق خوردند و به زندان رفتند،

هنوز ترس و وحشت دوران ریاست

جمهوری شما و حملات پاسداران به

منازل خود، و تجاوز و اعدامهای

دوره حاکمیت شما از ذهنشان پاک

نشده است. ما نسلی که مقابل شما

ایستاده و مبارزه کردیم، خاطرات آن

دوره هنوز در ذهنمان زنده است.

چگونه شرم نمیکنید و در مقام

طلبکارها مردم حرف می زنید.

آقای بنی صدر که یکی از اولین

قاتلان مردم ایران است در مصاحبه

با رادیو عصر جدید در مورد حمله

وحشیانه اخیر رژیم اسلامی به

و

مناطق مرزی در کردستان عراق و بعد از آواره شدن صدها نفر، در مورد درگیری نظامی پژاك با حكومت اسلامي ميگويد: " بدون تردید هر ایرانی باید از اینها بیزاری جوید. می بایست به آنها بگوید که شما خائن هستید با آنها معامله خائن را بکنند. هر ایرانی که به قدرت خارجی متوسل شود، به استقلال ایران خیانت کرده و و ضد آزادی ایرانیان است."

این حرفهای بنی صدر اگر فقط خطابش به پژاك و پ.ك.ك بود هنوز جای تامل داشت. اما این حرف بنی صدر تکرار همان حرفهای دوران ریاست جمهوری است. او در دوران صدارتش هم مردم کردستان را به آمریکایی بودن، عامل پالیزان بودن، و تجزیه طلب بودن متهم کرد و این حرفها تکرار همان گفته های قبلیش است. ایشان در دوره ریاست جمهوری اش و دوره همراهی با خمینی و حكومت فاشیست اسلامي چنین حرفهایی را بارها زد و طبعاً در آن دوران با نیروی مسلح علیه مردم عمل هم کرد. خلخالی و بنی صدر حاصل يك دوره از حیات جمهوری اسلامی بودند. هردو قاتل، اما یکی در نقش رئیس جمهور و دیگری در نقش حاکم شرع بود.

پنجه های خونین بنی صدر و سبعیت و هار بودن او را وقتی تجربه کردم که در کردستان مردم دست به اسلحه برده و علیه جنگ افروزی و بمباران و جنایات حكومت اسلامي و ارتش آقای بنی صدر و سپاه پاسداران و ارادل و اوپاشی که رئیس جمهورشان بنی صدر به آنها دستور داده بود که "غائله کردستان را بخواباند" به پا خاسته و دست به اسلحه بردند. هنوز هم تیتر روزنامه ها جلوی چشم من هست: "چکمه ها را تا خاموش کردن غائله کردستان از پا در نیارید... این اعلان جنگ و فرمان قتل و خونریزی از زبان بنی صدر رئیس جمهور وقت حكومت اسلامي بود و در پی این فرمان و فرمان خمینی هزاران نفر کشته و زخمی شدند و هزاران نفر آواره و دریدر گشتند. تعجب این است که يك قاتل و جانی که باید به عنوان فرمانده کشتار جمعی محاکمه شود، اکنون میخواهد بر صندلی قضاوت بنشیند.

قتل عام و تیربارانهای دسته جمعی، بمباران و قتل هزاران نفر مردم کردستان که رئیس جمهوری بنی صدر فرمان آنرا داده بود و سگهای حزب اللهی و ارتش حكومت اسلامي وارد این جنگ شده و در نهایت زندگی هزاران نفر را قربانی کرد، هنوز در خاطر مردم زنده است. آقای بنی صدر بیخود فکر میکند که مردم آن جنایت را فراموش کرده اند.

در دنياي عادي هر كس كه چنین سیاست و چنین پراتیکی داشته و دستش به خون آلوده باشد، طبعاً باید محاکمه و مجازات شود، امروز متأسفانه کسی یقه این شارلاتان سیاسی و بچه آخوند را نمیگیرد که نخست باید به دست داشتن در جنایت علیه بشریت که يك نمونه آن کشتار مردم کردستان است پاسخ دهد. نخست باید نقش خود و میزان همکاری با خلخالی و خمینی جلاد که در دادگاههای مخفی و چند دقیقه ای فعالین سیاسی و مبارزین و پیشمرگان را تیرباران کرد، را پاسخگو باشد. او باید به افکار عمومی توضیح دهد که دستور کشتار مردم کردستان باعث قربانی شدن چند صد و یا چند هزار نفر شد.

امروز یکبار دیگر با شنیدن مصاحبه بنی صدر با رادیوی عصر جدید و اینکه ایشان دوباره چکمه های پاره پوره قبلی خود را به پا کرده و به "خائنین به ملت" چنگ و دندان نشان میدهد، و اینکه باید در مقابل تجزیه طلبان ایستاد، را تکرار میکند با خود گفتم بنظر میرسد در بر همان پاشنه قبلی میچرخد. درست همان ادبیات و فرهنگی که شاه و خمینی و دولتهای دیکتاتور با اتکا به آن به مردمی که آزادی و رفاه و حرمت انسانی میخواستند حمله کرده و خون تعداد زیادی را ریختند، این بار بنی صدر از همه جا رانده و مانده، در رویاهای خود همچون ژنرالهای بدون لشکر رجز میخواند و برای خونریزی زمینه چینی میکند و اعمال جنایتکارانه سپاه پاسداران را توجیه میکند.

اصطلاح "تجزیه طلبی" ظاهراً شاه کلید مهمی است که میتوان با الصاق آن به هر اعتراضی در مقابل

حاکمان دیکتاتور، از پیش پرونده برای آن ساخت و حمله کرد و کشت و از انسانکشی عاری نداشت، چرا که هدف جلوگیری از تجزیه ایران است!؟ شاه و خمینی و بنی صدر و خامنه ای و رفسنجانی و احمدی نژاد و... همگی این تئوری را برای حفظ قدرت خود بکار برده اند. این تئوری همه دیکتاتورها است. برای ما مردم تحت ستم و قربانیان این جنایتکاران این بهانه تکراری و آشنا است.

بگذارید برای روشن شدن اذهان چند نکته را یاد آور شوم. چرا که این روزها با اوج گرفتن درگیری های نظامی بین پژاك و جمهوری اسلامی ایران، از زبان تعداد زیادی از "اصلاح طلبان" حكومتی و ناسیونالیستهای پرو غرب و طرفداران نظام سلطنتی، حمله به جنبش انقلابی مردم در کردستان، حمله به تاریخ مبارزات مردم و جنبش چپ و برابری طلبانه در کردستان را میتوان به وفور دید. نوشته هایی که در نهایت از اصلاحات و زبان نرم و کنار آمدن با حكومت اسلامي و سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی حرف میزنند و هر نوع مبارزه مسلحانه ای را در هر شکل و در هر شرایطی مردود میشمارند. همه اینها در يك موضوع با جمهوری اسلامی متحد هستند و دست سپاه پاسداران و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامي را میبوسند و از آن تقدیر میکنند. آن موضوع هم حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی است.

در مورد جدا شدن مردم کردستان از ایران

من مخالف جدا شدن مردم کردستان و بلوچستان و آذربایجان از ایران هستم. تکه تکه شدن کشورها و یا دامن زدن به هویت های قومی و ملی را به ضرر مردم میدانم، ولی اگر مردم کردستان بهر دلیلی در يك فراندوم آزادانه رای به جدایی دادند، علیرغم میل من و یا کسانی دیگر باید به این رای آنها احترام گذاشت و کسی نمیتواند با فریاد و امیصیبتا تجزیه طلبی شد و... چکمه به پا کند و خون بریزد.

آقای بنی صدر! صندلی متهم جای شما است از صفحه ۲ نه قضاوت...



دولت‌های بیگانه در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفته شد که در مقابل احتمال قدرت گرفتن چپ در ایران کمربند سبز در منطقه ایجاد شود و از جنبش اسلامی دفاع کردند و آقای بنی صدر یکی از همان افراد مرتبط با دولت‌های بیگانه بود. بنه مردم ایران از نقش مخرب دولت‌های غربی یا به قول بنی صدر بیگانه دلخوشی ندارند. اما همین بنی صدر یکی از کسانی بود که با حمایت دولت‌های بیگانه به همراه خمینی توانستند انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران را اسلامی کنند و شکستش بدهند.

همین دولت‌های "بیگانه" در افغانستان از طالبان و مجاهدین اسلامی و... دفاع کردند و در ایران یک آخوند کپک زده را به نام خمینی از نجف آورده و زیر درخت سیب در نوفل شاتو نشانند و به کمک بنی صدرها او را به قدرت رسانند. آقای بنی صدر یکی از معماران و سازندگان رژیم اسلامی بود و هنوز از آن کثافت اسلامی دفاع میکند. نقد او به رقبای اسلامیش این است که چرا او را از حکومت ساقط کرده اند.

با این اوصاف آیا یک ذره شرافت و صداقت در حرف‌های رئیس جمهور سابق جمهوری اسلامی یافت میشود؟

امروز هر بچه محصل دبستانی در عرصه سیاست میدانند که دنیا بهم وصل است. و این دنیای بهم وصل شده طبقاتی است. در یکسو مردم و صف انسانیت قرار دارد و در دیگر سو حاکمین و صاحبان ثروت و قدرت... برای ما خامنه‌ای و احمدی نژاد علیرغم داشتن پاسپورت ایرانی "بیگانه" ترین و دشمن ترین هستند و مردمی که در دنیا برای نجات سکنه محمدی آشتیانی به خیابان رفته و یا علیه اعدامها در ایران میتینگ گذاشته و فعالیت میکنند، نزدیک ترین ها هستند. آقای بنی صدر هم علیرغم ایرانی بودن در دنیای دشمنان مردم ایران تشریف دارند این پنبه را باید از گوش ناشنای خود بیرون کنند که گویا صدای اعتراض مردم به جنبش اسلامی و دوران حاکمیت سیاه خود

این حکم گذشت و مانع کور کردن چشمان مجید شد.

هفت سال قبل آمنه بهرامی در جریان عمل وحشیانه اسید پاشیدن به صورتش از دو چشم نابینا شد. او ۱۹ بار روی صورتش عمل جراحی انجام داده و اکنون با اثرات این جنایت غیر انسانی مقابله میکند.

آمنه در آخرین لحظات اعلام میکند که قصاص را نمیخواهد. زنده باد آمنه که با وجود اینکه زندگیش و جوانی و زیبایی اش به دلیل این عمل غیر انسانی از سوی مجید تباہ شده، در مقابل دور باطل چشم در مقابل چشم ایستاد و در آخرین لحظات اعلام کرد که نمیخواهد این حکم اجرا شود. پیام آمنه در رسانه های بین المللی همواره این بود که باید به این فجایع رسیدگی کرد و نباید قربانیان را تنها گذاشت. او میگفت و میگوید که تعداد کسانی که قربانی اسید پاشیدن میشوند بسیار زیاد است و متهمین خیلی زود از زندان آزاد میشوند و جامعه زنان قربانی این فجایع را تنها میگذارد. اینها همه حرفهایی است که امروز آمنه بهرامی با این تصمیم شجاعانه و انسانی، بیش از پیش برای آنها گوش شنوا پیدا خواهد کرد.

"از قربانیان اسید پاشی ها درخواست میکنیم که متهمین را نبخشند." این پیام یکی از مقامات حکومت اسلامی در هفته گذشته بود. امروز قرار بود با حضور پزشکان متخصص و دادیار اجرای احکام در بیمارستان دادگستری تهران این عمل انجام شود و رسانه های حکومت نوشتند که رئیس قوه قضاییه اجازه انجام این "عمل" را داده است... آنها علاقمند بودند با کور کردن چشم های مجید، قدر قدرتی حود را به

زنده باد آمنه... از صفحه ۱

جوانان و مردم ایران نشان دهند. حکومت میخواست پیام دهد، میتوانیم همه شما معترضین و مخالفین و جوانان ضد حکومت را اسیر کرده و هر بلایی که بخواهیم سر شما در بیآوریم. با اسلحه بدستان و اراذل و اوياش خودمان تصمیم گیری در مورد چشم و دست و پا و حیات و مرگ شما در اختیار حکومت و آخوندها است. این پیام قدر قدرتی جانیمان باید میبود و اکنون پیام کاملاً متفاوت است. پیام یک زن قربانی که صورتش و چشمان و زیبایی اش را از دست داده، اما نمیخواهد به اسم جامعه و اجرای عدالت همان کاری را بکنند که یک فرد در حالت جنون به آن دست زد.

این روزها در ایران بدلیل به قتل رسیدن چند فرد شناخته شده، در نزاع های خیابانی و بسیار عادی، توجه ها به راحت شدن قتل و آدمکشی در خیابانها و همچنین در منازل و خانه ها جلب شد. البته حکومت اعلام کرد که خبرسانی و بقل خودشان "سیاه نمایی" جرم است و مجازات دارد!!! ولی همین فجایع یک هفته گذشته در ایران نشان میدهد که جنایت و آدمکشی و اعدام در ملا عام، و وحشیگریهای حکومت اسلامی جامعه را بیمار کرده است. کشتن و قتل بسیار عادی شده و در هر نزاع و اختلافی، فوراً تعدادی دست به چاقو برده و رگ گردن میزنند و بویژه در این مورد نیز زنان بیشترین قربانیان هستند. در همین هفته خبر قتل حداقل هفت زن را در ایران در رسانه ها دیدم.

وقتی حرمت انسانها مورد تعرض روزانه حکومت قرار میگیرد، وقتی حکومتی زنان را آدم حساب نمیکند و در خیابان به

و از یاد نمیرند. مردم جهان حاکمیت جانوران اسلامی را با حاکمیت هیتلر مقایسه میکنند. شعار مورد نظر من اینست که جمهوری اسلامی ایران را باید همانند حکومت آپارتاید نژادی در دنیا ایزوله کرد.

یکشنبه ۳۱ ماه ژوئیه ۲۰۱۱

اما یک چیز دیگر را به این آخوند مکلا باید یاد آوری کنم: دوره جنبش اسلامی و بیگانه ستیزی و راسیسم و فاشیسم اسلامی شما به سر آمده است. امروز بسیاری از



زندگی و خواسته‌های خود باید به اسم خشونت سرکوب شود.؟ اگر این حق برای دفاع از مردم سلب میشود، چرا و بر اساس کدام منطق و حقوق انسانی دولت‌ها باید با اسلحه سیاست خود را به جامعه تحمیل کنند.؟ همچنانکه آقایان بنی صدرها کرده اند. این حق را چه کسی به آنها داده است.؟

معلوم است که جواب روشن است، قانون اینرا گفته است.

اما قوانین همیشه در دنیا و در همه کشورها تابع و نتیجه تعادل

قوای نیروهای سیاسی و طبقاتی مختلف زمان خود است. قانون جمهوری اسلامی را نه نمایندگان مردم بلکه نمایندگان جمهوری اسلامی نوشتند که آقای بنی صدر یکی از آنها بود. ما از همان اول اعلام کرده ایم نه این قوانین را قبول داریم و نه حکومت اسلامی را. در مقابل این اعتراض با اسلحه به سراغ ما آمدند و کشتاری از مردم ایران کردند که میتوان آنرا بزرگترین کشتار عصر حاضر و جنایت علیه بشریت نام نهاد. آقای بنی صدر یکی از فرماندهان این کشتار بوده است. او نمیتواند دستهای خونین خود را بشوید و به عنوان صاحب نظر افاضات بفرماید. ایشان صاحب نظری از تبار اسلامی با پرونده ای پر از قتل تشریف دارند.

همین کسانی که مقاومت مردم کردستان را خشونت میدانند، در مقابل جنایات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی این چنین دهن دریده نیستند. آنها را به عنوان نیروهای حافظ منافع جامعه و منافع ملی اسم میبرند. تا چندی قبل هر حرکت اعتراضی مردم و از جمله و بویژه انقلاب مردم را خشونت قلمداد کرده و از اینکه همواره و در هر شرایطی مردم باید مشغول "اصلاح" کردن حکومت‌های دیکتاتور شوند حرف میزدند. تو گویی دنیا با همین شعارهای توخالی اصلاح طلبانه جلو

آقای بنی صدر! صندلی متهم جای شما است نه قضاوت...

از صفحه ۳



نقش مردم کردستان در مخالفت با جمهوری اسلامی

کردستان مطالباتی دارند و برای رسیدن به آنها حق دارند علیه سلب کنندگان این مطالبات اعتراض کنند.

واقعیت این است که هیچ انسان با منطقی بجز بنی صدر و خمینی و بقیه سران ریز و درشت اسلامی و سلطنت طلبان آریایی پرست این حقوق و مطالبات را انکار نمیکند.

مبارزه مسلحانه، خشونت و اصلاحات

مردم کردستان ۳۲ سال است که درگیر مبارزه سیاسی و جنگ با حکومت اسلامی است. تاریخ مبارزات مردم و همچنین احزاب سیاسی در کردستان يك بخش از تاریخ ایران است که باید به دقت به آن پرداخت.

اینکه يك حکومت لشکرکشی کند و از زمین و هوا مردم را بمباران کند، کاری که در دوره اول حمله حکومت اسلامی به کردستان شروع شد و تا کنون ادامه دارد، نمونه بارز بربریت و وحشیگری و تروریسم دولتی است. علیه این لشکرکشی مردم کردستان برای دفاع از خود دست به اسلحه برده و يك جنبش مقاومت توده ای در مقابل تعرض رژیم اسلامی در کردستان شکل گرفت.

آیا دست بردن مردم به اسلحه در هر شرایطی محکوم است؟ چرا؟ آیا هر نوع دفاع مردم از حق حیات و

واقعیت اینست که مردم کردستان، بعد از سقوط حکومت پهلوی از همان روزهای اول زیر بار حکومت اسلامی نرفتند. در کردستان خواست عدم دخالت نیروهای نظامی و پاسدار و حکومت اسلامی در زندگی مردم و عدم تمکین به حکومت و قوانین اسلامی از روز اول حیات این حکومت مطرح شد. این مردم همان روز اول گفتند حکومت اسلامی را نمیخواهند. این حرف با عکس العمل حکومت روبرو شد و لشکرکشی آغاز شد از زمین و هوا حمله کردند. اعدام و توپ باران و حمله نظامی جزیی از سیاست سرکوبگرانه این حکومت علیه مردم کردستان است که در زمان جناب بنی صدر شروع شد و تا امروز ادامه دارد. مردم کردستان علیه این جنایات و علیه این حکومت مبارزه کرده و کوتاه نیامده اند.

طبعاً کردستان يك جامعه پیچیده مثل همه جای ایران است. در آنجا نیز سازمانها و احزاب متعددی با گرایش‌ها و برنامه های مختلف فعالیت میکنند و ناسیونالیست در این جغرافیا فعال هستند و میتوان و باید در مورد آنها و همه احزاب سیاسی در کردستان گفت و نوشت و یا نقد کرد. اما اصل بر اینست که مردم

ایران و به تبع مردم کردستان تجارب گرانبهایی به دست آورده که در سروه آن اهمیت دادن به مبارزات شهری و مبارزه کارگران و مردم زحمتکش، حک شده است. فاصله گرفتن بخش قابل توجهی از مردم و فعالین سیاسی از ملی گرایی و نقد ناسیونالیسم کرد از جمله دستاوردهای آن است. این جنبش خواهان سرنگونی کامل حکومت اسلامی است و در این راستا گامهای مهمی برداشته است.

اما شکی نباید داشت که در تناسب قوای معینی مردم برای تعیین تکلیف خود با جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح دست به اسلحه میبرند و بساط جانین اسلامی را جمع میکنند. این نه فقط تابو نباید باشد، بلکه عین حق و عدالتخواهی و مقابله با خشونت دولتی است.

هر لحظه و هر روز ادامه حیات حکومت اسلامی یعنی خشونت و تجاوز و اعدام و سنگسار، هر کسی که مردم را از امکانات رهایی از دست این رژیم، از جمله مبارزه و اعتراض و اعتصاب و انقلاب و قیام مسلحانه باز میدارد، به ادامه حیات این بختک شوم کمک میکند.

۲ اوت ۲۰۱۱

۱۱ مرداد ۱۳۹۰

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.



ملی را از جنبش باز می‌دارند. این جریان‌های تجزیه‌طلب که به قدرتهای خارجی وصل می‌شوند و از آنها اسلحه و امکانات می‌گیرند و خائن‌اند. هر ایرانی که به قدرت خارجی متوسل بشود خائن است به استقلال ایران و به ضرورت ضد آزادی ایرانیان است. او ادامه می‌دهد و می‌گوید: "یک به این اعتبار که عامل بقای رژیم هستند برای اینکه تاریخ ایران تاریخ استبداد متمرکز است از ترس تجزیه، همین رژیم هم روی به استبداد آورد و یک دلیل بزرگش ترس از تجزیه بود. دو اینکه قدرت خارجی را توجیه می‌کنند حضورش را در کشور. خب رژیم که قدرت خارجی را محور سیاست داخلی و خارجی کرده، آنها هم پای قدرت خارجی را به میان می‌کشند. خب حالا فرض کنیم که این مداخله خارجی به همان اندازه‌ای بشود که در لیبی الان می‌بینیم. خب ببینید که چه فاجعه بزرگی ایران گرفتارش خواهد شد؟ این است که بدون تردید هر ایرانی می‌باید از اینها بی‌تاری می‌باید است. می‌بایست به اینها بگوید که شما خائنید به دو اعتبار و با آنها معامله خائن بکنند. هر ایرانی که به قدرت خارجی متوسل بشود خائن است به استقلال ایران و به ضرورت ضد آزادی ایرانیان است."

زمانی که بنی صدر در رکاب ارتش، سپاه و دیگر سرکوبگران حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی با توپ و خمپاره از طریق زمین و هوا خانه و کاشانه مردم سنندج و دیگر شهرهای کردستان را به ویرانه تبدیل می‌کرد با همین اراجیف فرمان خمینی را اجرا کرد. در آن ایام بنی صدر در کنار خمینی و خلخالی، با تأیید اعدامهای دسته جمعی از کرمانشاه و پاوه تا میروان، سنندج، سقز، بوکان و مهاباد به سلاخی

این اسامی و اسامی دهها هزار انسان دیگر که با فرمان خمینی و دیگر سران حکومت اسلامی بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ و سال ۶۷ تا به امروز در زندانهای مخوف رژیم اسلامی اعدام و سر به نیست شده اند، سند محکومیت یکی از خونخوارترین حکومت‌های تاریخ معاصر ایران است.

ابولحسن بنی صدر یکی از همدستان خمینی و مجری فرمان او در پست ریاست جمهوری آن دوره بود. ایشان هر سال در چنین روزهایی برای شانه خالی کردن از بار همدستی اش در کشتار انقلابیون با حکومت اسلامی شروع به هیزان گویی می‌کنند تا بلکه مسئولیت خود را در قبال فاجعه ۲۸ مرداد لاپوشالی کند. پنداری به عذاب وجدان دچار شده است. امروز هم ایشان همان الفاظی را پرت می‌کنند که در زمان حمله ۲۸ مرداد ۵۸ بر زبان جاری می‌کرد.

اخیرا ابولحسن بنی صدر بعنوان کسی که تمام افتخاراتش مرهون منفورترین شخصیت تاریخ ایران یعنی خمینی و حکومت اسلامی بوده است، همچون همیشه و به بهانه پرداختن به "تجزیه و تجزیه طلبی، خائنین و وابسته گان به قدرتهای خارجی"، شروع به تراوش يك سری خزعبلات فاشیستی کرده است. ایشان در ایام قدر قدرتی اش در کنار خمینی با همین عبارات فرمان حمله به مردم کردستان را داد. این روزها در بحبوحه تحولات سیاسی در ایران تنها کسی که هنوز دارد از این واژه ها در کنار سران حکومت و پس مانده های حکومت سابق علییه مردم شاخ و شانه می‌کشد ایشان است.

به قسمتی از سخنان او توجه کنید. بنی صدر می‌گوید: "جریان‌های تجزیه‌طلب دستیارهای مهم رژیم هستند که ترس از تجزیه را به جامعه القا می‌کنند و جامعه

- ۱- حسین مصطفی سلطانی
- ۲- امین مصطفی سلطانی
- ۳- احمد پیرخضری (کارمند بیمارستان)
- ۴- حسین پیرخضری (معلم)
- ۵- فایق عزیزی (عضو شورای شهر میروان)
- ۶- علی داستان (پیشمرگه)
- ۷- بهمن اخضری (پزشک و فیلم بردار)
- ۸- جلال نسیمی
- ۹- احمد قادرزاده اهل روستای دره تفی

اعدام ۱۱ نفر در شهر سنندج روز ۵ شهریور ۱۳۵۸ ساعت ۵ بعدازظهر. دو تن از آنها زخمی بودند (احسن ناهید از ناحیه ران پا، با استفاده از برانکار و ناصر سلیمی از ناحیه دست راست

- ۱- احسن ناهید
- ۲- شهریار ناهید
- ۳- جمیل یخچالی
- ۴- ناصر سلیمی
- ۵- عبدالله فولادی
- ۶- مظفر نیازمند
- ۷- سیروس منوچهری
- ۸- اصغر مصری
- ۹- مظفر رحیمی
- ۱۰- عیسی پیرولی
- ۱۱- عطا زندی

اعدام ۲۰ نفر در شهرستان سقز ساعت ۷ بامداد ۶ شهریورماه ۱۳۵۸

- ۱- احمد سعیدی
- ۲- قادر بهار
- ۳- محمد بابا میری
- ۴- رسول امینی
- ۵- ناجی خورشیدی
- ۶- کریم رضایی
- ۷- انور اردلان
- ۸- سیف اله فیضی
- ۹- علی فخرایی
- ۱۰- عبدالله بهرامی
- ۱۱- سید حسن احمدی
- ۱۲- محمد درویش نقرهای
- ۱۳- کریم شیرینی
- ۱۴- ابوبکر حمیدی
- ۱۵- احمد مقدم
- ۱۶- جلیل جمالزاده
- ۱۷- کشتی زاده
- ۱۸- محمد غفاری
- ۱۹- خاطر خطیبی
- ۲۰- ناصر حدادی

۲۸ مرداد ۵۸ سالروز صدور فرمان ...

از صفحه ۱



بکشند و با قتل و کشتار، با به قهقرا کشانیدن جامعه و با چپاول از هستی و دسترنج میلیونها مردم ستمدیده، بر آنان حکم برانند. جا دارد در اینجا به اسامی، روز، ساعت و محل اعدام شدگان توسط خلخالی، این جلاذ حکومت اسلامی اشاره شود تا بار دیگر و به مناسبت فرمان حمله خمینی و بنی صدر در ۲۸ مرداد سال ۵۸ به کردستان، جنایات حاکمان از گور برخاسته اسلامی به خاطر آورده شود.

اعدام ۱۱ نفر در شهرستان پاوه ساعت ۲ و ۴۰ دقیقه بامداد ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ در دیزل آباد کرمانشاه:

- ۱- عبدالله نوری
- ۲- هوشنگ عزیزی
- ۳- محمد محمودی
- ۴- یداله محمودی
- ۵- حسین شیبانی
- ۶- هرمز گرجی بیاتی
- ۷- مظفر فتاحی
- ۸- محمد عزیزی
- ۹- محمد عزیزی
- ۱۰- آذرنوش مهدویان
- ۱۱- اصغر بهبود

اسامی ۷ نفر دیگر از اعدام شدگان در پاوه بامداد روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸ در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه:

- ۱- حاجی افراسیاب
- ۲- عبدالوهاب ملک شاهی
- ۳- عماد الدین ناصری
- ۴- عبدالکریم کریمی
- ۵- محمد نقشبندی
- ۶- عزیز مراد
- ۷- مراد ذولفقاری

اعدام ۹ نفر در شهر میروان ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه ۳ شهریورماه ۱۳۵۸

شدند. با هیلی کوپتر، جت و فانتوم بر سر مردم شهر و روستاهای کردستان آتش گشودند. حمله ۲۸ مرداد توسط رژیم اسلامی تلاشی برای خفه کردن انقلابی بود که میرفت بساط جنایتکاران اسلامی را در همان روزهای نخست بقدرت رسیدنشان برچینند. همزمان با کوبیدن شهر و روستاها از راه زمین و هوا، صادق خلخالی اعدامهای وسیعی را از کرمانشاه تا ارومیه براه انداخت و بسیاری از عزیزترین و شریفترین انقلابیون، کمونیستها و هر انسان آزاده ای را در بی دادگاههای چند دقیقه ای جهل و توخالی اسلامی به گلوله بستند.

در مقابل این لشکر کشی، استقامت، پایداری، از خود گذشتگی و مقاومت بی نظیر مردم و نیروهای چپ و انقلابی، نوید بخش تداوم قیام و انقلاب مردم ایران بود. این مقاومت تنها به تلاش و ایستادگی مردم کردستان خلاصه نمیشد بلکه بخشهای زیادی از مردم آزادیخواه و انقلابی در اقسا نقاط کشور که نقش برجسته ای در سرنگونی حکومت سلطنت پهلوی داشتند، در یک جبه واحد در کنار مردم کردستان و در اشکال مختلف به مقاومت و دفاع از دستاوردهای قیام ۵۷ پرداختند. خمینی و دیگر سران حکومت اسلامی اگر در سالهای ۵۸ و ۵۹ با تمام توان به سرکوب دستاوردهای قیام مردم پرداختند، اگر با حمله به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ هزاران انسان شریف را به خاک و خون کشیدند، اگر فاجعه نوروز خونین ۵۹ را در سنندج خلق کردند، اگر خانه و کاشانه مردم کردستان را با توپ و خمپاره بر سرشان ویران ساختند، اگر انقلابیون و مردم مبارز ترکمن صحرا را از دم تیغ گذرانند، برای این بود که بتوانند آزادیخواهی، برابری طلبی و انسانیت را در آن مملکت بدار

۲۸ مرداد ۵۸ سالروز صدور فرمان ...

از صفحه ۵



ارتش مردم کردستان و ترکمن صحرا را به خاک و خون کشیدند، با کمک چه کسانی بقدرت رسیدند؟ آیا حمایت قدرتهای خارجی نبود که از جریان خمینی که ایشان هم جز مهره های اصلی آن بود بر سر کار آورده شدند؟ خمینی، بنی صدر و خیل از گور برخاسته گان اسلامی بودند که با همت قدرتهای خارجی و برای شکست دادن انقلاب ۵۷ به مردم تحمیل شدند. اگر این حمایتها از نظامی که بنی صدر هم در راس یکی از مهمترین دستگاههای آن بود وجود نداشت، توان این را نمی داشتند که انقلاب را به شکست بکشاند و متعاقب آن که زندگی میلیونها انسان را به نیستی و تباهی بکشاند. واگر تا کنون این رژیم هم چنان سر پا ایستاده است، علاوه بر سرکوب مداوم و سیستماتیک، همچنان مورد حمایت برخی از دولتهایی است که جریان اسلامی خمینی و امسال بنی صدر را بزرگ کردند و بر سر کار آوردند. حمایت دولتهایی که قبل از رئیس جمهور شدن جناب بنی صدر، نوای مطولیت کسانی چون او را بعنوان رئیس جمهور بودن در گوش خوانده بودند. بنابر این با تعاریفی که بنی صدر از خائن و سرسپردگی و اتکا به کشورهای خارجی و باز شدن پای آنان مطرح می کند، کاملاً روشن است که خائن و متکیان به قدرتهای جنایتکارانی بایگانی شده است؟

خائن کیست قدرت خارجی کدام است؟

اصطلاحات بکار برده شده بنی صدر مبنی بر "خائن"، و "وابستگان به قدرتهای خارجی"، کماکان متصل شدن او به سلاح زنگ زده ای است که تنها مختص سران حکومتها علیه شهروندان برای سرکوب هر چه بیشتر آنان است با این تفاوت که طی چند سال گذشته ایشان در مقام خلع ید از مقامش این هذیانها را برای خوش رقصی در مقابل جریانات پرو غرب و پس مانده های سلطنت بر زبان جاری می کند. اینها تکرار همان عبارات ویژه قلدان حاکم است که در دوره رئیس جمهور بودن ایشان علیه هر انسان شریف و آزادیخواهی بکار برده می شد تا براحتی به انقلاب مردم خون بپاشند. اگر اصطلاح خائن را بنا به تعریف ایشان بپذیریم، باید کتاب خاطرات بنی صدر از زمان شروع همکاری او با خمینی و کنفرانس گوادلوپ در تحمیل عقب مانده ترین جریانات ملی مذهبی بر یک جامعه مدرن و سکولار را مطالعه کرد تا خائنین را بخوبی شناخت و معرفی کرد. اما لازم نیست کسی برود خاطرات بنی صدر را مطالعه کند تا بداند خائن یا خائنین متکی به قدرتهای خارجی چه کسانی بودند و یا هستند. کافی است این سؤال را از جناب بنی صدر پرسید که خمینی و شخص ایشان و دیگر سران دیروز و امروز حکومت اسلامی که با اتکا به نیروی سرکوبگر سپاه و



فکر میکند یا خود را به نفهمی می زند. بنی صدر با این نوع فیگورهای آبرو باخته نمی تواند خود را از همدستی اش با خمینی و بعنوان رئیس جمهور یک حکومت بشدت متوحش اسلامی را از آن همه جنایت تبرئه کند.

جوانان و هر کسی که به دستشان می افتاد پرداختند و با تجزیه طلب و ضد انقلاب خواندن مردم انقلابی شهرها و روستاهای کردستان، در تحمیل جنگی خانمانسوز، زندان و اعدام و کشتار، روی جنایتکاران نازی را سفید کردند. جناب بنی صدر فکر می کند با نشخار کردن همان هجویات آنهم بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از آن تاریخ، می تواند همدستی خود با رژیم اسلامی و شخص خمینی را ماست مالی کند. موضوع اما برعکس است.

رژیم جمهوری اسلامی و خمینی اتفاقاً اولین دستیارانش امثال بنی صدر جریانات ملی مذهبی و دو خردادی های درمانده از همه جا بودند که در نوفل نواشتو ماموریت یافتند تا انقلاب آزادیخواهانه مردم را به خاک و خون بکشند. اگر خمینی و حکومت بیرون انداختند به این خاطر بود که تاریخ مصرفش بعنوان کسیکه ظرفیت مقدماتی سرکوب را از خود بنمایش گذاشته بود دیگر به پایان رسیده است. این نوع ژست و شگردها را بنی صدر در بارگاه خمینی و آیت اله های قم یاد گرفته است. همدستی او در سرکوب مردم ایران بویژه مردم کردستان بر پیشانی اش حک شده است. تاریخ عربده کشی های بنی صدر در کشتار و ویران کردن خانه های مردم، گورهای دسته جمعی کودکان ناشی از این حملات و در حیاط منازل مردم در سنندج را نه تنها نسل آن دوره بلکه نسل جدید و انقلابی امروز از زبان بزرگترها شنیده است، نوشته ها، تصاویر و فیلم های ویدئویی تهیه شده آن ایام را مشاهده کرده اند. جناب بنی صدر نمی تواند در دنیای رشد تکنولوژی و ارتباطات پیشرفته امروز سر کسی را شیره بمالد. ایشان یا هنوز در عصر قدرقدرتی خمینی

نیاورید" می شناسند. گویا هر سال با نزدیک شدن ۲۸ مرداد و یا به بهانه رویدادی مربوط به کردستان و با همان پرخاشگرایی که در بارگاه خمینی به ارث برده است جناب بنی صدر دچار عذاب وجدان می شود.

کشتار هر چه بیشتر علیه هر گونه حق خواهی دستشان باز تر باشد. اکنون بعد از گذشت بیش از سه دهه از عمر یک حکومت سرکوبگر، جنایتکار اسلامی و حکومتی که جامعه ای را به ورطه نابودی کشانیده است، این ترسها دیگر کارایی ندارد چرا که شاهد همبستگی و اتحاد مردم در سراسر کشور علیه کلیت نظام اسلامی و سران آن هستیم. جناب بنی صدر اما هنوز در فاز سه دهه قبل می خواهد با سرپوش گذاشتن بر همدستی خود با خمینی و حکومت اسلامی، با عباي دفاع از خاک پاک میهن سهم بودندش در حمله به کردستان و کشتار مردم را همچون همیشه توجیه نماید و همان اراجیف سالیهای رئیس جمهوریش را کماکان دارد نشخار می کند. تلاش دیگر ایشان این است که بلکه بتواند با طرح این سلاح از کار افتاده، مقبولیت خود را نزد جریانات پروغرب و دیگر جریانات مخرب ناسیونالیسم ایرانی اندکی بهبود بخشد بلکه جایی برای خود دست و پا کند. اما انقلاب مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی که یکی از نتایج آن محاکمه سران جنایت پیشه اسلامی در دادگاههای بین المللی است، پرونده جناب بنی صدر را نیز در همدستی و سرکوب مردم کردستان در ۲۸ مرداد سال ۵۸ و دیگر کشتارهای اوایل رئیس جموری ایشان را بازگشایی خواهد کرد.

تجزیه و تجزیه طلبی.

رژیم سلطنتی شاه و حکومت جمهوری اسلامی بویژه در دوران ریاست جمهوری بنی صدر صدای حق خواهی مردم کردستان را با تجزیه طلب خواندن آنان می داند. برای این جانیان "خاک پاک میهن" برای چپاول، دزدی و به جیب زدن هستی جامعه و دسترنج مردم مقدس بوده و هست و پاسخ مردمی که حق زندگی و نفس کشیدن را می خواستند، همیشه با گلوله داده شده است. سالهاست که این حنا دیگر رنگی ندارد. این حق طبیعی و انکار ناپذیر مردم کردستان است که اگر بخواهند می توانند در یک فرماندم آزاد و سالم رای به جدا شدن از ایران بدهند یا اینکه در چهارچوب ایران همچون شهروندان برابر و متساوی الحقوق بمانند. نه بنی صدر و نه خیل اعوان و انصار سلطنت طلب و نه هر جانور اسلامی دیگری نمی تواند مانع از این خواست برحق مردم شود. در بسیاری موارد با فراهم بودن این زمینه که گویا جدا شدن و تشکیل یک کشور مستقل جرمی نابخشودنی است، هر دو حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی به سرکوب مردم کردستان دست زده اند در مقاطعی و بنا به مقتضای زمان و نیاز نیز، خود طراح پرت کردن تجزیه طلبی بوده اند تا برای سرکوب

۲ اوت ۲۰۱۱

۱۱ مرداد ۱۳۹۰



حکم پدرام نصراللهی
اعلام شد

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز دوشنبه ۳ مرداد حکم پدرام نصراللهی فعالی کارگری و یکی از اعضای این کمیته توسط شعبه ۲ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی اعلام شد. بنا بر این حکم پدرام به اتهام واهی اجتماع و تبانی به دو سال حبس تعزیری که در مدت ۵ سال تعلیق شده محکوم گردیده است. پدرام در دادگاه جانینان اسلامی در ۲۱ تیر در همین شعبه توسط قاضی طیباری محاکمه گردید.

در حاکمیت جمهوری اسلامی برپایی تجمع و اعتراض، ایجاد تشکل و دست زدن به اعتصاب برای حقوق حقه خود جرم است. پدرام به جرم دفاع از خواسته های برحق کارگران محاکمه و حکم زندان گرفته است. باید به این حکم وسیعاً اعتراض کرد. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. پرونده های قضایی تشکیل شده برای کارگران و فعالین سیاسی باید فوراً لغو شود. فشار و تهدید بر روی فعالین کارگری و فعالین سیاسی باید فوراً متوقف شود.

شاهرخ زمانی عضو کمیته
پیگیری برای ایجاد تشکلهای
کارگری محاکمه شد

روز شنبه ۱ مرداد، شاهرخ زمانی کارگر ساختمانی و از فعالین کارگری شهر تبریز و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری توسط جانینان اسلامی به محاکمه

کشیده شد. به گزارش منتشر شده از سوی کمیته برای آزادی شاهرخ زمانی، زمان این محاکمه آنقدر کوتاه بوده است که حتی خانواده وی فرصت نکردند خود را به آنجا برسانند و ملاقاتی با او داشته باشند و وقتی به دادگاه رسیدند که شاهرخ به زندان انتقال داده شده بود.

هنوز نتیجه این محاکمه روشن نیست و فقط منشی دادگاه جمهوری اسلامی اعلام داشته است که پرونده شاهرخ تکمیل شده است.

شاهرخ زمانی روز ۱۷ خرداد در حالی که در حال مسافرت بود، در میانه ی راه تهران- تبریز توسط مامورین اطلاعات جمهوری اسلامی از اتوبوس پیاده و دستگیر و زندانی شد.

علاوه بر شاهرخ زمانی، محمد جراحی و بیوک سیدلر از فعالین کارگری در شهر تبریز و منصور اسانلو و ابراهیم مددی و رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک در زندانند. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

رضا شهابی کارگر زندانی،
زیر فشار دائمی مقامات قضایی

جمهوری اسلامی

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود بنا بر اخبار منتشر شده رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد زیر تهدید و فشار دائمی مقامات قضایی جمهوری اسلامی قرار دارد. از جمله در هفته گذشته یک مقام اطلاعاتی به رضا شهابی که در بند امنیتی وزارت اطلاعات یعنی بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس است، مراجعه کرده و با تهدید با او برخورد نموده است. این بازجو که در سیستم قضایی جمهوری اسلامی کارشناس خوانده میشود! با حالت

تهدید و تمسخریه رضا گفته است که اگر برای کارگران مبارزه کرده ای حالا هم تاوانش را پس بده! او نیز پاسخ داده است که من بنا بر وظیفه ام به دفاع از کارگران پرداخته ام و هنوز هم این راه را قبول دارم.

از سویی به نظر میرسد مقامات قضایی از جمله قاضی صلواتی که صریحاً هرگونه اقدامی به قصد ایجاد فشار و آزار و اذیت رضا و خانواده اش را انجام میدهد، سعی میکنند با پنهان کردن بهانه ی بازداشت رضا کماکان وی را در زندان نگه بدارند. رضا در ۲۲ خرداد سال گذشته دستگیر شد و با وجود اینکه برای آزادی وی وثیقه ی یکصد میلیون تومانی تعیین شده است، اما صلواتی و دیگر مقامات قضایی تاکنون از تحویل وثیقه توسط خانواده اش خودداری کرده و آنها را برای انجام این کار به دادگاه راه نداده اند و به بهانه عدم تودیع وثیقه از سوی خانواده اش به بازداشت وی در زندان ادامه داده اند.

در رابطه با این موضوع خانواده رضا شهابی به مقامات مختلف قضایی از جمله دفتر "جعفری دولت آبادی" دادستان جمهوری اسلامی در تهران مراجعه کرده اند، اما پاسخی نگرفته اند. قاضی صلواتی حتی گفته است که دادگستری استان تهران "بی خود گفته است که شهابی باید با وثیقه آزاد شود و هر کدام از مقامات قضایی که چنین گفته خانواده را سر کار گذاشته!"

بدین ترتیب رضا شهابی ۱۴ ماه است در زندان است. و خانواده وی را مرتب سر می دوانند. رضا شهابی به جرم اعتصابات با شکوه کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش برای ایجاد سندیکای شرکت واحد در زندان است. رضا شهابی و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی
آزاد باید گردد
کمپین برای
آزادی کارگران زندانی

۶ مرداد ۱۳۹۰
۲۸ ژوئیه ۲۰۱۱

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:

Bank: RABOBANK
Darandehesab: FVIVN
Shomarehesab: 151350248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:

Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswwift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیس

ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۸۰۵۱

کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران:

عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



Ebrahim Mostafaei Ghoharizadeh Ghoharizadeh Masoud Azarnoush Reza Shabahi Behnam Azarnoush

Free jailed workers in Iran

منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی

سرنگونی حکومت و درهم شکستن نظام جمهوری اسلامی به معنی تحقق اهداف زیر است:

- ۱- خلع ید ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت
- ۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مستول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند
- ۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت
- ۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرایی و ایدئولوژیک رژیم
- ۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

جنبش سرنگونی همچنین بمنظور جلوگیری از بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع بند و بست و مهندسی قدرت از بالای سر مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را تعیین کنند برای تحقق اهداف زیر پیگیرانه مبارزه میکنند.

- ۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی
 - ۲- لغو مجازات اعدام.
 - ۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.
 - ۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
 - ۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
 - ۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، ملیت و تابعیت
 - ۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان نشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه
 - ۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.
- ضامن تحقق اهداف فوق قدرت مردم است. مردمی که با انقلاب خود جمهوری اسلامی را سرنگون کرده اند باید متحد و متشکل به حضور فعال در عرصه سیاست ادامه دهند، هر نیروی مانع تحقق اهداف فوری فوق و کل خواستههای انقلاب را کنار بزنند و اداره امور را خود در دست بگیرند.*

خاکورک در آتش سوخته و صدها راس از احشام روستائیان تلف شده است.

احمد قادر مسئول منطقه سیده کان اعلام کرد تاکنون تنها در مناطق پشدر، چومان و سیده کان ۷۰۰ نفر از مردم آواره شده اند. سازمان صلیب سرخ بین المللی اعلام کرد بیش از ۸۰۰ نفر از ساکنین مناطق مرزی آواره شده و در شرایط سختی زندگی می کنند.

محکومیت دو فعال کارگری سنندج به پرداخت جریمه نقدی

یدالله قطبی و وفا قادری، دو تن از فعالین کارگری سنندج، بنابر رای شعبه ۲ دادگاه انقلاب، به پرداخت جریمه نقدی محکوم شده اند.

حکم جریمه ۹۰۰ هزار تومانی یدالله قطبی و وفا قادری که چند روز قبل از مراسم اول ماه می سال جاری بازداشت شده بودند، صادر شده و این حکم در دادگاه تجدید نظر به مدت ۲۰ روز قابل اعتراض است.

به گزارش کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری، نامبردگان چند روز قبل از مراسم اول ماه می به اداره اطلاعات احضار شده و پس از ۱۲ روز بازداشت با قرار وثیقه های ۵۰ و ۳۰ میلیون تومانی از اداره اطلاعات آزاد شدند.

آمار قربانیان حملات رژیم به مناطق مرزی کردستان

از زمان آغاز دور تازه حملات نظامی و توپخانه ای رژیم ایران به مناطق مرزی کردستان عراق و روستاهای واقع در آنها، دستکم ۱۴ غیرنظامی کشته و زخمی شده اند. به گزارش سایت های خبری کردستان عراق، گلوله باران مناطق مختلف کردستان عراق توسط نیروهای مسلح رژیم ایران تاکنون ۳ کشته، ۱۱ زخمی و بیش از هزار نفر آواره به همراه داشته است. ***

که در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۴ در کرمانشاه توسط نیروهای امنیتی این شهر بازداشت شد بود، با همان اتهام مذکور در دادگاه اولیه به ۱۱ سال زندان در دادگاه تجدید نظر استان کردستان به ۶ سال زندان محکوم گردید. لازم به ذکر است که هر چهار تن از محکومان، مدت دو الی سه ماه در بازداشتگاه اطاعات سنندج در زیر فشارهای جسمی و روحی شدیدی قرار داشته اند.

کمپین دفاع

از زندانیان سیاسی و مدنی

کشته شدن چوپان ۱۳ ساله در جاجی عمران بر اثر توپ باران رژیم اسلامی

در ادامه توپ باران مناطق مرزی چوپانی ۱۳ ساله در منطقه حاجی عمران بر اثر حملات رژیم توپباران منطقه جان خود را از دست داده و تا کنون بیش از هزار نفر از روستائیان و دامداران منطقه آواره شده اند.

بنا به گزارشات رسیده، ساعت ۷ عصر روز جمعه بر اثر توپباران نیروهای سپاه پاسداران در منطقه "برده سوران" از توابع حاجی عمران چوپانی با نام محمد انتر زراو ۱۳ ساله اهل بخش حریر به شدت زخمی شده و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داد.

روز ۲۴ جولای در نتیجه توپباران منطقه "خنیره"، توسط توپخانه های رژیم يك جوان با نام هیرش کریم خان ۱۹ ساله و شخصی دیگر با نام شیخو حسن ۴۰ ساله جان خود را از دست دادند و دهها نفر دیگر زخمی شده اند و ضررو زیان فراوانی به باغات و مزارع روستائیان وارد شده است.

از ابتدای حملات رژیم، بخش بزرگی از جنگلهای مناطق قندیل، خنیره و

فشار نیروهای امنیتی علیه چهار زندانی سیاسی در زندان سنندج

لقمان منفردی، نعمت اسحاقی، پشتیوان آسم و صباح خیاط چهار زندانی سیاسی هستند که از زمان بازداشت تا کنون همواره تحت فشار و آزار و اذیت اداره اطلاعات سنندج و کامیاران بوده و در دو ماه گذشته این چهار زندانی هر يك مجبور به تحمل ماندن روزهای طولانی در سول انفرادی و مورد ضرب و شتم مسئولین قرار گرفته اند.

این ۴ فعال سیاسی به اتهام همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون کرد به سالهای طولانی زندان محکوم شدند.

"نعمت اسحاقی" که در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۳ در شهر کامیاران توسط اداره اطلاعات این شهر دستگیر شده بود، از سوی دادگاه انقلاب سنندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون در دادگاه اولیه به ۱۲ سال و در دادگاه تجدید نظر استان کردستان به ۹ سال زندان محکوم گردید.

"پشتیوان آسم" اهل روستای "هنیمن" از توابع شهرستان کامیاران، در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۰ در شهر سقز توسط نیروهای امنیتی این شهر دستگیر و پس از دو ماه بی خبری از وضعیت نامبرده مشخص گردید که وی در بازداشتگاه اطلاعات سنندج به سر می برد.

پشتیوان نیز از سوی دادگاه انقلاب شهر سنندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب مخالف رژیم در دادگاه اولیه به ۱۵ سال و در دادگاه تجدید نظر استان کردستان به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

"لقمان منفردی" اهل کامیاران نیز به اتهامی مشابه که در دادگاه اولیه به ۱۱ سال و در دادگاه تجدید نظر استان کردستان به ۹ سال زندان محکوم شده است. او در شهر کامیاران دستگیر و سپس به اداره اطلاعات سنندج منتقل شده بود.

علاوه بر این، "صبح خیاط" نیز

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!